

Aristotle: Essays in Honor of Allan Gotthelf (pp. ۲۶۴-۲۱۲). Cambridge: Cambridge University Press.

۱۰. از بنیادگذاری مابعدالطبیعی اخلاق ترجمه‌های متعددی به زبان انگلیسی در دسترس است که برای نمونه می‌توانید ر.ک.:

Kant, Immanuel (۲۰۱۱). *Groundwork of the Metaphysics of Morals: A German-English edition*. edited and translated by M. Gregor & J. Timmermann. Cambridge: Cambridge University Press.

در اینجا رجوع به این بخش است: ۴:۳۹۴.

۱۱. همان، ۴:۴۳۲.

۱۲. در شرح و تبیین اندیشه اخلاقی کانت آثار متنوع و متعددی نوشته شده است که برای نمونه می‌توانید ر.ک.:

Schönecker, Dieter and Wood, Allen W. (2015). *Immanuel Kant's Groundwork for the Metaphysics of Morals: A Commentary*. translated by Nicholas Walker. Cambridge, MA: Harvard University Press.

۱۳. در این نوشتار برای تبیین اندیشه کانت پیرامون سرشت اخلاقی بشر و نسبت آن با آزادی بر رساله بنیادگذاری مابعدالطبیعی اخلاق تکیه شده است. برای اطلاع از ایده‌های سیاسی کانت ر.ک.: *The*. (2017). Kant, Immanuel *Metaphysics of Morals, 2nd ed.*, edited by L. Denis, translated by M. Gregor, Trans. Cambridge: Cambridge University Press.

14. Rawls, John, (1999). *A Theory of Justice, revised edition*. Cambridge, MA: Harvard University Press, p 266.

15. Rawls, John, (2005). *Political Liberalism*. New York: Columbia University Press, 496-505.

16. Rawls, John, (2005). *Political Liberalism*. New York: Columbia University Press, p 140.

۱۷. برای توضیح تفصیلی پیرامون برهان مساوقت ر.ک.: Freeman, Samuel (۲۰۰۷). *Rawls*. London: Routledge

۱۸. Sandel, Michael (1998). *Liberalism and the Limits of Justice: Second Edition*. Cambridge: Cambridge University Press, p 203.

آموزه‌های جامع فلسفی و کوشش برای به رسمیت شناسی اختلاف نظر پیرامون مسائل عمیق نظری و اتکای امری سیاسی بر اجماع هم پوشان، به رغم جذابیت نخستین آن، گرفتار چالش‌های نظری فراوانی است که می‌تواند به امتناع توجیه امر سیاسی و مداخله دولت‌ها در زندگی اجتماعی و حتی نفی توجیه وظیفه دولت برای تحقق عدالت اجتماعی بینجامد. از سوی دیگر، چهارچوب‌های لیبرال، اعم از لیبرالیسم فراگیر و لیبرالیسم سیاسی، نمی‌تواند به مسئله جمعی بودن سعادت بشر پاسخ‌دهی روشن دهد. به عبارت دیگر اگر سعادت انسان امری اجتماعی باشد، نمی‌توان در چهارچوب‌های لیبرال از آزادی انسانی برای انتخاب تصویر مطلوب سعادت و نیز آزادی در پیگیری این تصویر مطلوب دفاع کرد. ▶

+

پی‌نوشت

1. anarchist
2. libertarian
۳. برای مشاهده یک دفاعیه کلاسیک از لیبرتاریانیسم ر.ک.: Nozick, Robert (۱۹۷۳). *Anarchy, State and Utopia*. Oxford: Basil Blackwell
۴. برای نقد این نگرش و تفاوت آن با نگرش لیبرال‌های کلاسیک ر.ک.: Samuel (۲۰۰۱). *"Illiberal Libertarians: Why Libertarianism Is Not a Liberal View."* *Philosophy & Public Affairs*, ۳۰(۲): ۱۰۵-۵۱.
4. neutrality
5. perfectionism
۶. از اخلاق نیکوماخوسی ترجمه‌های متعددی به زبان انگلیسی در دسترس است که برای نمونه می‌توانید ر.ک.: Aristotle (۲۰۱۴). *Nicomachean Ethics*. translated with introduction and notes by C.D.C. Reeve. Indianapolis: Hackett.
۷. همان، ۱۰۹۴: ۱۱۰-۱۱۷.
8. communitarianism
۹. برای مطالعه تفصیلی پیرامون جامعه سیاسی و نسبت آن با سعادت برین انسان ر.ک.: Cooper, John (۲۰۱۰). *Political community and the highest good*. In J. Lennox & R. Bolton (Eds.). *Being, Nature, and Life in*

وجود دارد، پس با پذیرش این نگرش نمی‌توان از مداخله دولت برای کاهش نابرابری و تحقق عدالت اجتماعی دفاع کرد. لیبرالیسم سیاسی نه تنها باید فرض کند که کاربست خرد انسان تحت آزادی به عدم توافق درباره خیر انسان منجر می‌شود، بلکه خردورزی انسان به اختلاف نظر پیرامون عدالت نیز می‌انجامد.^{۱۸}

نتیجه آنکه اتکای به دریافتی خاص از سعادت بشری می‌تواند چهارچوب فلسفی روشنی را برای تبیین نوع مداخله دولت در حیات اجتماعی به دست دهد؛ دریافت‌های غایت‌گرا از سرشت بشر پیگیری سعادت بشر را از جانب دولت‌ها تجویز می‌کند. دریافت‌های خودآیین از سرشت بشر چارچوبی کلاسیک برای تبیین دولت‌های لیبرال، یعنی دولت‌های مدافع آزادی و برابری انسان، است. کنار گذاشتن این

اگر سعادت انسان امری اجتماعی باشد، نمی‌توان در چهارچوب‌های لیبرال از آزادی انسانی برای انتخاب تصویر مطلوب سعادت و نیز آزادی در پیگیری این تصویر مطلوب دفاع کرد.

